

تحلیلی از معماری معاصر ایران در رویارویی با پدیده جهانی شدن*

دکتر فرح حبیب** دکتر اکرم حسینی***

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۰۵/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۰۱/۱۶

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی وقوع تحولات گسترده ناشی از ارزش های انقلاب، همچنین نفوذ اندیشه های تکثرگرایی پست مدرن غربی و تولید پارادایم هایی متفاوت با فرهنگ سنتی جامعه، سبب ایجاد دگرگونی های بسیاری در حوزه معماری گردید. در پی انقلاب فرهنگی، فقدان تحرک قابل ملاحظه در فعالیت های نظری و پژوهشی و نیز بستر شکل گیری نظریات معماری سبب گردید طراحان آن در پی ایجاد نسبی نوین بین ساختار و محتوای آموزشی دانشگاه ها هم گام با شرایط نوین جامعه باشند. بدیهی است که این خواست ها بر روی همان محورهایی طرح شدند که شعارهای انقلاب مطرح می کرد. این امر در تناسب با روح عمومی جریانات هویت طلبانه معماری، ضرورت تغییر برنامه آموزشی معماری را نیز به جدیت طرح می کرد. این پژوهش به تبیین رویکرد معماری ایران در دوره بعد از انقلاب و تحلیل اهداف هویت طلبانه آن در برابر پدیده ای به نام جهانی شدن، ظهور فن آوری ارتباطات و رایانه خواهد پرداخت.

واژه های کلیدی

معماری معاصر ایران، جهانی شدن، فن آوری ارتباطات، رایانه

* این مقاله از رساله دکتری نگارنده با عنوان «تبیین و تدوین گرایش های معماری معاصر ایران» به راهنمایی دکتر فرح حبیب و مشاوره دکتر ایرج اعتصام استخراج گردیده است.

** دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

E-mail: architecture.doc@srbiau.ac.ir

E-mail: ak_ho_56@yahoo.com

*** دانش آموخته دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

مقدمه

از آن جا که معماری مدرن مرزهای جغرافیایی و تاریخ‌مندی را از شمول آرمان‌های خود نفی کرده بود، شاید بتوان گفت که از منظر نهضت معماری مدرن، تاریخ و جغرافیا به مثابه شروط اصلی فرهنگ انسانی نسبت به نورآوری فن آوارانه و بیان‌گرایی تجسمی تاثیر به سزایی در تکوین معماری ندارند. انتزاع و مجردسازی معماری مدرن در نقطه مقابل فرهنگ دیرین معماری، که منبعث از تکوین تاریخی عناصر آن در بستر جغرافیایی خاصی است، قرار دارد. همچنین می‌توان گفت که انتزاع‌گرایی معماری مدرن نفی زبان معماری است، زبانی که طی تاریخ هم پای سایر جوانب تمدن انسانی تکوین یافته و نهضت معماری مدرن با روی گردانی از آن، گویی واژگان زبان معماری را تا حد عناصر پایه تجسمی تقلیل داده است (انصاری، ۱۳۸۵، ۳). در ایران نیز تنوع‌گرایی، کثرت‌گرایی، التقاط و تعدد دیدگاه‌ها از اصلی‌ترین شاخصه‌های معماری معاصر دهه های اخیر است. گرایش به سمت دیدگاه جهانی گرا در معماری با جدایی و انفصال از گذشته و تاریخ رو به سوی معماری جهانی دارد. در اکثر موارد بدون آگاهی‌های نظری و شناخت دقیق مفاهیم فکری گرایش‌های جهانی، معمار ایرانی رو به تقلیدی کورکورانه و سطحی آورده است. عدم شکل‌گیری یک بنیان اندیشه‌ای منسجم در ذهن معماران حتی موجب می‌شود در برداشت سطحی از آثار جهانی نیز به یک شیوه بسنده نکرده و با اعمال سلیقه‌های شخصی، کثرت‌گرایی و التقاط را دامن بزنند. در این نگرش الزامی در توجه به داشته‌های گذشته دیده نمی‌شود و هم‌سویی با معماری روز جهانی و فردگرایی و خودمحوری ملاک قرار می‌گیرد (محمودی، ۱۳۸۷، ۱۰-۹). رسانه‌ها و فن‌آوری رایانه نیز بستر این برخورد را مهیا می‌سازند. ناتوانی در ایجاد سبک معماری که از یک سو در راستای معماری روز بوده و پاسخگوی نیازهای متغیر استفاده‌کنندگان باشد و از سویی ارتباط و تداوم خود را با معماری تاریخی کشور حفظ کند و حتی بتواند در صحنه جهانی نیز حرفی برای گفتن داشته باشد همواره سبب دل‌مشغولی بسیاری از اندیشمندان و متفکران این دوره گشته است.

روش تحقیق

روش انجام پژوهش در این مقاله روش مشاهده و تحلیل می‌باشد. در قسمت اول پس از بررسی و مطالعه منابع و مآخذ مرتبط با موضوع پژوهش از جمله جهانی شدن، رسانه‌ها و تئوری‌های آموزشی عوامل و عناصر موثره آن‌ها در معماری جستجو، طبقه‌بندی و تحلیل می‌گردد. در مرحله بعد با مشاهده نمونه‌های طراحی و درگیری مستقیم با گروه‌های مختلف طراحی و آموزش، تاثیر مؤلفه‌ها و متغیرهای شناخته شده مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته و حدود هر یک مشخص می‌گردد.

جهانی‌شدن^۱، کنشی خارجی در آموزش معماری

جهانی شدن به مفهوم جدید، محصول ظهور صنعت ارتباطات جهانی و منعکس کننده ارتباطات همزمان جهانی است. جهانی شدن در وهله اول، عام‌گرایی فرهنگی گسترده‌ای را بر اساس ارزش‌های مدرن در سطح جهان به وجود می‌آورد. این فرآیند با در هم شکستن مرزهای محدود به زمان و مکان، انسان‌ها را در اقصی نقاط دنیا به یکدیگر متصل و مرتبط کرده و هویت‌های درون مرزی را با گذشت زمان دچار فرسایش و اختلال می‌نماید. پیش از ظهور و فراگیر شدن جهانی شدن، جوامع گوناگون دارای انسجام و یکپارچگی بودند، اما پدیده جهانی شدن با شکستن مرزهای ساختگی و تسخیر جهان موجب ادغام نظام‌های

معنایی، حذف بخش‌هایی از این نظام‌ها و در انتها اضافه شدن معناهایی که محصول مدرنیته و جهانی شدن هستند شد و این نظام‌های معنایی و هویت بخش را به سمت یکسان سازی با نمونه‌های مشابه در گوشه و کنار جهان هدایت کرده، موجب گسترش ارزش‌های عام و جهان شمول براساس فرهنگ جهانی مدرنیته گردید (تافلر، ۱۳۷۴). از سوی دیگر، جهانی شدن به معنای توسعه جهانی مقوله‌های مادی و معنوی است که منجر به بازسازی تولیدات جدید در قلمروهای مختلف شده است. جدا از نظریات و دیدگاه‌های متفاوت و حتی متناقض مطرح در مورد فرآیند جهانی شدن، تاثیرات شگرف آن بر فرهنگ، به ویژه در کشورهای جهان سوم غیر قابل کتمان است. شرایط امروز جامعه ایران به گونه‌ای است که سردرگمی میان دو دیدگاه جهانی‌گرا و محلی‌گرا از بزرگترین چالش‌هاست. سردرگمی و تضاد در بسیاری از موارد در وجود هر فرد قابل شناسایی است و نوسان میان سنت و مدرنیته و تجددگرایی ایرانی معاصر تضادی عظیم را در خود نهان دارد حرکت فرهنگ ایرانی به طور اعم به سوی فرهنگ جهانی، خواه ناخواه کشش به سمت معماری جهانی را به دنبال می‌آورد. چرا که معماری ظرف فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و تحت تاثیر این تغییرات متنوع و پرشتاب دچار دگرگونی و تاثیرپذیری می‌گردد و گرایش فردی ایرانی به سوی انسانی جهانی، حرکت سایر تولیدات و محصولات را به آن سو می‌کشاند و در نهایت می‌تواند موجب جدایی فضا از مکان و گسستن رشته‌های پیوند زنده فضای اجتماعی با مکان و سرزمین گردد (محمودی، ۱۳۸۷، ۱۰-۹).

ایران معاصر با وجود فرهنگ و تمدن عظیم و شکوهمند گذشته، به چنان بی‌تعادلی و عدم قطعیتی دچار گشته که گویی در محصنه گرفتار آمده است. از طرفی می‌خواهد پایبند اعتقادات و سنت‌های گذشته خویش بماند و از طرفی سیلی بی‌حربه و فراگیر از حوادث، رخدادها، خبرها و نوآوری‌های جهانی، پیرامون وی در گذر است. از این رو هر روز پیوندهایش با گذشته سست‌تر گردیده و از آینده هراس بیشتری می‌یابد. ایران در برزخی بین بومی ماندن و جهانی شدن، در برزخی بین سنت و مدرنیته به سر می‌برد و این در حالی است که هنوز بسیاری، درک و تصور روشنی از این مفاهیم ندارند و این مساله باعث گردیده نه فرهنگ ایرانی در روندی نامنقطع، استمرار یابد و نه دیگر فرهنگ‌ها به طور کامل شناخته‌شوند. به گفته رامین جهاننگلو، از دو وجه مدرنیته یعنی عقل ابزاری و عقل انتقادی، ایرانیان به عقل ابزاری پرداخته، از نتایج تولیدات فکری و ابزار جهانی بهره برده ولی به معانی و اندیشه‌های در پس آن توجهی نداشته یا آن را مورد تحلیل قرار نداده‌اند (جهاننگلو، ۱۳۸۴، ۴۰۳).

هویت طلبی واکنشی داخلی در معماری معاصر ایران

در غالب کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، خاص نگرانی‌های فرهنگی واکنشی بود که در مقابل نفوذ فرهنگ جهانی متجلی گردید. توجه به هویت و اصالت در معماری که مدتهاست سبب تولید نظریات و گرایش‌های مختلفی از جمله منطقه گرایی و بوم گرایی گردیده، همواره دغدغه عده‌ای از نظریه پردازان و طراحان ایران بوده است. این نوع استفاده از منابع و فرهنگ ایرانی تلاش و جستجوی تدریجی اما مداوم بوده است که با تکنیک‌ها و روش‌های مختلفی، مورد تجربه و آزمایش درآمده است. از روش‌های الحاقی و نمادین در سطح و حجم معماری تا روش‌های تجربی در ایجاد فضای آشنایی معماری از یک سو و استفاده از تکنیک‌های بیان مستقیم تا تجرید و تداعی غیرمستقیم جملگی در این مسیر مورد استفاده قرار گرفتند. ضمن آنکه همه تاریخ معماری ایران از کهن‌ترین دوران تا دوران اخیر منبع تغذیه آن بوده است.^۲

در حوزه آموزش معماری بازگشت به خویشتن، احیای ارزش‌های پایدار سنت، مفاهیم ازل و ابدی معماری مستتر در تاریخ، ساختار و محتوای برنامه آموزشی را از نگاه طراحان انقلاب فرهنگی معطوف به اهمیت دادن به کنکاش‌های نظری در آموزش، پیوند آموزش معماری با فرهنگ خودی و بررسی‌های تاریخی معماری دوره‌های پیش از مدرنیسم از منظری ملی و منطقه‌ای کرد. وجود واژه هویت در مقدمه برنامه ستاد انقلاب فرهنگی سال ۱۳۶۳ نشان از توجه به این مساله در مبانی برنامه آموزش جدید معماری است. متعاقباً جستجوی هویت در روند آموزشی از طریق تاکید بر معماری اسلامی دنبال می‌گردد. هرچند رواج گرایش‌های پست مدرنیسمی تا اواسط دهه ۱۳۶۰ که از طریق آشنایی فزاینده دانشجویان با این گرایش‌ها به وسیله مراجعه به مجلات و نشریات خارجی و به کارگیری آنها در طرح‌های معماری تا حدودی مورد مقاومت بافت جدید دانشگاهی که با تغییر ساختار آموزش معماری به امر آموزش مشغول بوده اند، قرار می‌گیرد، اما به دلیل فقدان بنیاد نظری از پیش شکل گرفته که بتواند گزینه تازه‌ای غیر از دو راه حل مشخص شامل پیروی از سبک‌های به اصطلاح سنتی معماری یا پذیرش گرایش‌های رایج در غرب مطرح کند، پست مدرنیسم به صورت شیوه اجتناب ناپذیر در طرح‌های معماری از نیمه دوم دهه ۶۰ متداول می‌شود. این امر که بدون آگاهی نظری کافی و مناسب از محتوای جریان‌ها و گرایش‌های معماری غرب و اکتفا به رجوع به تصاویر و با استفاده از اطلاعات دست دوم همراه است، دشواری‌های آموزشی را در پی گیری و احداث نظریه‌های منطبق با شرایط فرهنگی و آرمان‌های مطروحه از بعد هویتی دچار اشکال می‌کند.^۳

«ولی علاوه بر مساله جنگ کمبود منابع به زبان فارسی و مدارک مکتوب و مدونی که در راستای تامین اهداف برنامه باشد و بالاخره کمبود مدرسانی که آگاهی و توان کافی جهت تدریس و تفهیم معماری و فرهنگ اسلامی داشته باشند، باعث می‌شود که دانشجویان به تنها مرجع مطمئن یعنی مجلات و کتاب‌های اروپایی و آمریکایی متوسل شوند. استفاده از منابع هنری و علمی خارجی هرگز مذموم نبوده و بسیار مفید است. ولی اشکال کار در اینجاست که بدون داشتن یک پایگاه تئوریک و وقوف کامل از چگونگی تحولات و مفاهیم معماری به تقلید سطحی از آن پرداخته می‌شود.» (عتصام، ۱۳۷۴، ۱). به عنوان مثال مطالعه شرح دروس مبانی نظری معماری^۴ آن گونه که در برنامه‌های مصوب ۱۳۶۳ و ۱۳۷۵ آمده است نشان می‌دهد که فاصله زیادی بین دو برنامه مذکور و آنچه در چارچوب این درس تدریس می‌شود وجود دارد. بنابراین فرضیه‌ای که در ابتدا این درس‌ها بر مبنای آن تعریف شده بودند، صرف نظر از تردید در عملی بودن کل برنامه درس نتوانسته است مورد اثبات یا نفی قرار گیرد (قبالی، ۱۳۷۸).

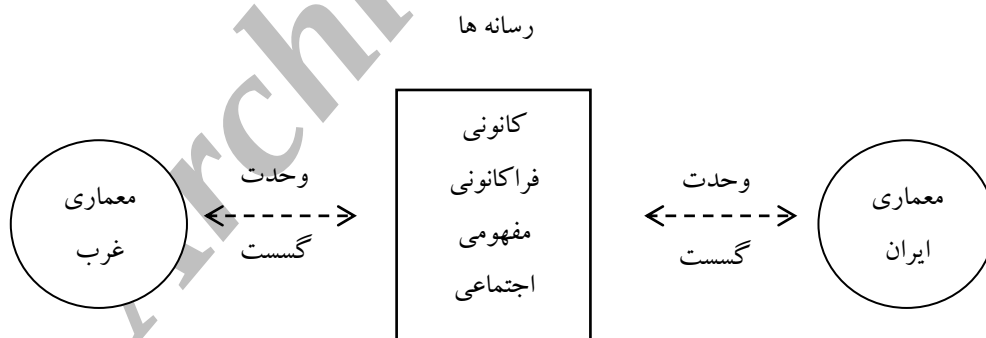
بازنگری سرفصل‌های دروس دانشگاهی و جهت دهی آن به سمت دروس اصلی و پایه ای این رشته و افزایش ساعات درسی این دروس (دروس) مانند آشنایی با معماری جهان و معماری معاصر) سبب شناخت عمیق تر این معماری توسط دانشجویان می‌گردد. در صورتی که در حال حاضر دانشجو به شناختی بسیار سطحی از آنها رسیده، شکوه گرافیکی آنها را الگو می‌گیرد.

بررسی نقش رسانه ها و رایانه در شکل گیری معماری معاصر ایران

رسانه‌ها در دنیای امروز با اتصال هر نقطه از جهان به نقطه‌ای دیگر در کوتاه‌ترین زمان، عامل عمده شکل دهی تجربه در مقیاس جهانی گردیده‌اند. تجربه‌ای که در زمینه‌های گوناگون زندگی وارد شده، بر افکار و اعمال انسان‌ها تاثیر گذارده و به تبع آن واجد پیامدهای مختلفی بوده‌است. با گسترش اصول فکری و نوآوری‌های علمی و فن‌آورانه دنیای مدرن، جهان امروز، عرصه‌ی حضور قدرتمند رسانه‌ها گردیده است. زندگی اجتماعی انسان معاصر، در چنان جریان پیچیده‌ای از ارتباطات جهانی قرار گرفته که

دیگر نمی‌توان آن را به صورت خطی و یک سویه بررسی کرد. فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در جریان این ارتباطات پیچیده، دگرگونی‌های زیادی را متحمل شده و بعدی جهانی یافته‌اند. به این ترتیب جهانی شدن را می‌توان گستره‌ای دانست که با شیوه‌های نوین ارتباط و حضور رسانه‌ها در حکم واسطه‌های ارتباطی، مفاهیم زمان و مکان را به گونه‌ای تغییر داده که دسترسی به اطلاعات از هر نقطه از جهان در کوتاه‌ترین زمان، امکان‌پذیر گردیده است. به این ترتیب برای انسان‌ها این امکان فراهم شده که از عملکردها و رخدادهای گوناگون در سایر نقاط جهان آگاه شوند. این امر در صورتی مثبت و سازنده است که افراد این اطلاعات را به درستی دریافت کرده، در وجود خود درونی ساخته و بتوانند در چرخه‌ی ارتباطی نقش فرستنده را نیز برای دیگران داشته‌باشند. در غیر این صورت تاثیرپذیری انفعالی و تقلیدی از دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها صورت خواهد گرفت (علی محمدی، ۱۳۸۵، ۵۲).

یکی از مسائلی که جامعه امروز ایران با آن درگیر است دوربودن از رویدادها و وقایع بین‌المللی در زمینه هنر، ادبیات، علم، فلسفه و حتی سیاست است. به عبارت دیگر ایران در تمامی این حوزه‌ها در مرتبه مصرف کننده و نه تولید کننده جهانی قرار گرفته است. اکثر جوانان ایرانی اطلاعات امروز جهان را از طریق اینترنت یا ماهواره و یا سی دی و دی‌وی‌دی می‌گیرند ولی شرکت مستقیمی در روند شکل‌گیری دانش جهان ندارند، یعنی شهروند جهانی دست دوم هستند (بهنام و همکاران، ۱۳۸۲، ۵۹). جذابیت، سرعت و سهولت استفاده از رسانه‌های جهانی و عمدتاً اینترنت به همراه عدم نیاز به دانش تخصصی سبب فراگیر شدن استفاده از آن در سراسر دنیا گشته است. اما به دلیل عدم دانستن زبان گفتاری و شنیداری آن توسط تعداد زیادی از استفاده کنندگان، معانی و مفاهیم در غوغای تصاویری که خبر از هرچه بیشتر مدرن شدن جهان دارند، مدفون می‌گردند و این موجب برداشت‌های سطحی و صوری می‌گردد. (شکل ۱)



ماخذ: نگارندگان

شکل ۱- تاثیر رسانه‌ها در شکل‌گیری معماری معاصر ایران

واقعیه پیچیده دیگری که در معماری معاصر موثر واقع می‌گردد، اوج‌گیری دخالت رایانه در روند طراحی معماری است. گرافیک رایانه‌ای، معماری فرا فضا، معماری متا، معماری فراکتالی، معماری مجازی و معماری دیجیتال و اصطلاحات دیگری از این قبیل همگی از جمله دستاوردهای استفاده از رایانه در رشته معماری است که هر روز بر دامنه کاربرد آنها افزوده می‌شود. نرم افزارهای

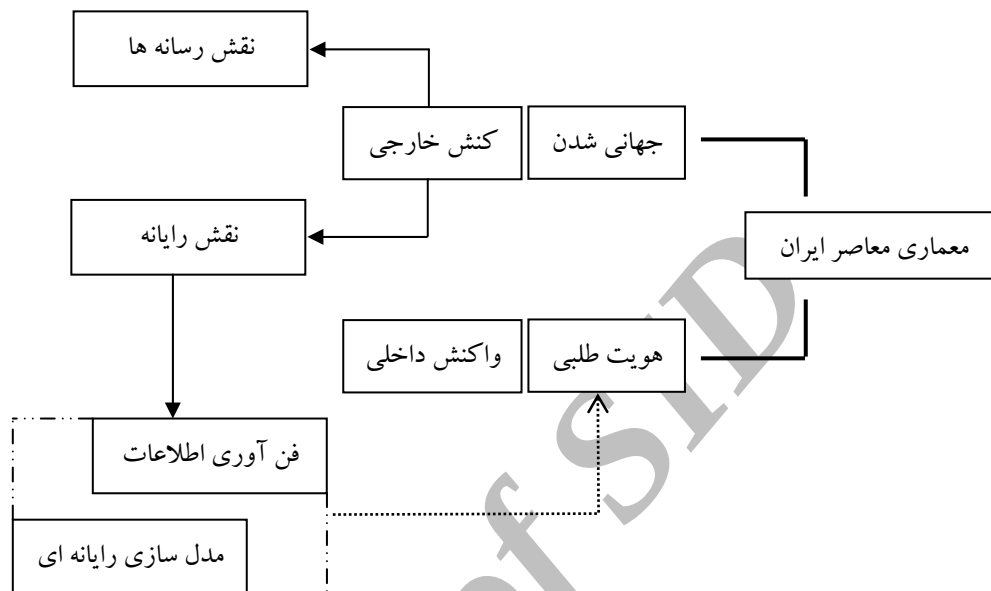
معماری علاوه بر نقشه‌کشی، مدل‌سازی اطلاعات، سه بعدی سازی^۵ و خلق ساختمان‌های مجازی^۶ در مراحل کیفی تر نیز نظیر زیبایی فرم، روابط عملکردی و ارتباطات اجزاء نقش چشمگیری در روند خلق اثر ایفا می‌کنند. به طور کلی می‌توان کاربردهای رایانه را در معماری به دو دسته تقسیم کرد.

الف: فن‌آوری اطلاعات^۷: در زمینه‌های مختلف دخیل در طراحی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. نظیر: مصالح، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، اقلیم، فرهنگ. فن‌آوری اطلاعات توانسته است چندین جنبه جدید را به معماری ببخشد و با برهم‌کنشی متقابل، بینش و ابزاری نو بیافریند. معماری روز به روز برای تولید فراورده‌اش با دامنه وسیعتری از داده‌ها سر و کار دارد. این افزایش روزافزون داده‌ها، توانایی پایش و کنترل وی را لحظه به لحظه می‌کاهد. پیدایش نرم‌افزارها و سیستم‌های بیانی داده‌ها و اطلاعات و ساماندهی و پایش آن‌ها در زمینه‌های معماری متکی برشالوده و توانایی‌های سیستم‌های پیشین، ولی منطبق برسیستم‌های دیجیتال، نوعی صرفه‌جویی زمانی و مکانی و سهولت را در ابزار پیشین در برابر معمار نهاده است. این نرم‌افزارها تقریباً توانسته‌اند جایگزین حجم وسیعی از سیستم‌های پیشین شوند و بار منطقی فضای معماری را به دوش بکشند (بذرافکن، ۱۳۸۱، ۲۵).

ب: مدل‌سازی رایانه‌ای^۸: شناخت و ترکیب رنگ‌ها، ترکیب احجام، دانش ریاضی، معماری داخلی، ایده‌های طراحی، عناصر و جزئیات ساختمانی، تنظیم شرایط محیطی (آکوستیک، اقلیم)، برآورد و کارگروهی از جمله عواملی می‌باشند که به وسیله مدل‌سازی رایانه‌ای پیشرفت چشم‌گیری داشته‌اند. به این ترتیب ابزارهای الکترونیکی با قدرت خود در افزایش سرعت روند طراحی و امکان آفرینش فرم‌های سه بعدی مجازی، از طرف خیل عظیمی از معماران مورد توجه و استقبال قرار گرفته و باعث گردیدند تمرکز معماران از ترسیمات و تهیه نقشه‌ها متوجه ابداع و خلق آن دسته از فرم‌ها و فضاهایی شود که با طراحی دو بعدی بر کاغذ، امکان پرداختن به آن محدود و در مواقعی ناممکن بود. ایجاد این فضاها در رایانه در حکم راهی است که به جهانی شدن منجر شده، چرا که از میان ساختار انتزاعی آن دنیای جدیدی در حال شکل‌گیری است^۹. مساله مهم در اینجا این است که با وجود این ادراک و دریافت جدید در معماری، بسیاری از معماران پشت فن‌آوری رایانه مخفی می‌شوند و با خوشحالی لباسی از تصویر مجازی در لعاب دیجیتالی بر ساختمان‌هایشان می‌کشند تا با این کار کارفرمایان را اغوا کنند. چنین کسانی رایانه را همانند یک ایر براش^{۱۰} عظیم و باشکوه می‌بینند و افرادی با آگاهی کمتر که قادر به تشخیص مسائل نمی‌باشند را نیز دچار اشتباه می‌سازند. به عبارتی امروزه کلمه فضای سایبر^{۱۱} و مجازی مسئله‌ای معمول و متعارف گشته و همین امر باعث گردیده که در مواردی به طور نادرست مورد استفاده قرار گیرد^{۱۲} (علی‌محمدی، ۱۳۸۵، ۹۲-۹۱).

طراحان با استفاده از امکانات و فن‌آوری پیچیده گرافیکی رایانه به معماری و خلق فضا بدون استفاده از «مدل‌های کالبدی» یا «ماکت‌های رایج» دست می‌یابند و از آن طریق می‌توانند برای محیط‌های پیچیده ماهیت بصری ایجاد کنند و امکان تخیل و تصور فضا را بالا ببرند. علاوه بر آن اصطلاحات یا مباحثی از قبیل «فولدینگ»، «فضای گرافیک»، «معماری پس از هندسه» و «مکتب ماهی» که در این دهه به معماری معرفی شده‌اند، همگی دنباله‌های مبحث دیکانستراکشن در معماری است که در مبانی بصری و بنیادهای هندسی معماری به نقد، جستجو و ابداع می‌پردازند. این گرایش‌ها شاید بیش از هر چیز تحت تاثیر امکانات توسعه یافته فن‌آوری سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رایانه قرار دارند. این خود در واقع، توسعه دیگری از معماری بر اساس فن‌آوری است^{۱۳}. رایانه در پیشرفت بعضی از سبک‌های معماری نقش غیر قابل انکاری به عهده‌دارد. به عنوان نمونه در معماری فولدینگ،

رایانه قادر است بین دو شکل، شکل‌های میانی را برای انتقال نرم یکی به دیگری انجام دهد. این انتقال و تغییر شکل فقط با استفاده از رایانه قابل اجرا است. (شکل ۲)

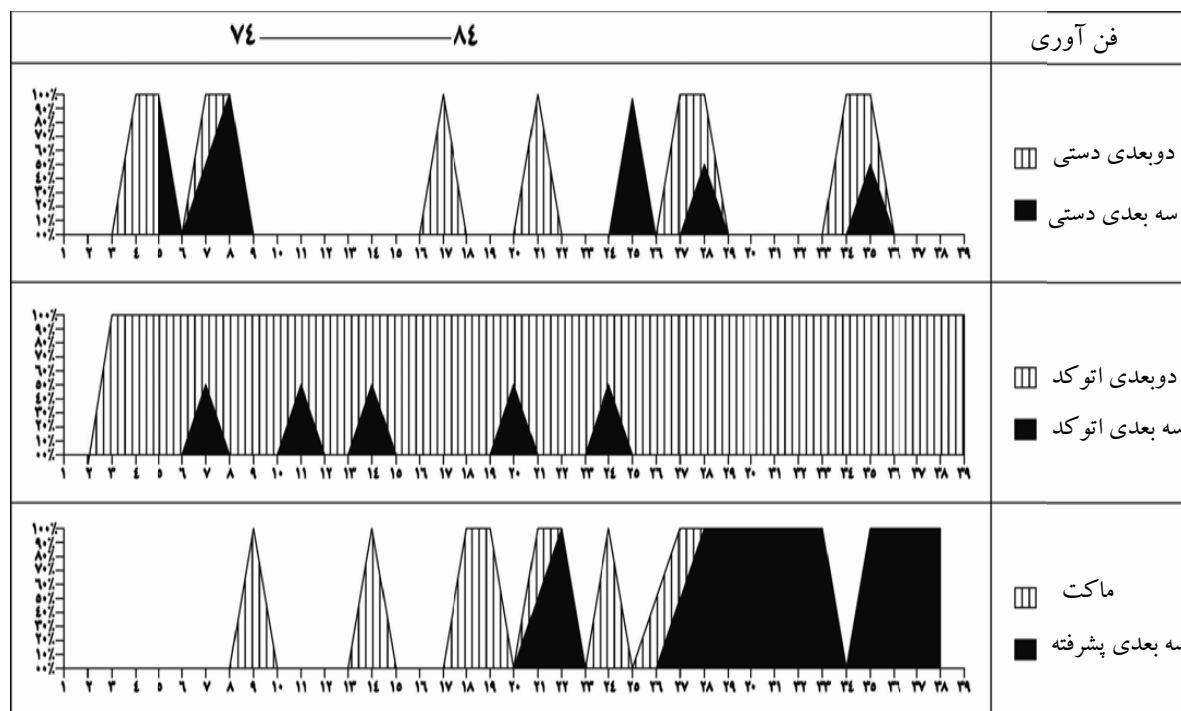


ماخذ: نگارندگان

شکل ۲- جایگاه مولفه های مذکور در تحلیل معماری معاصر ایران

در ایران، با شکل‌گیری پارادایم عصر اطلاعات مبنی بر طرح محاسباتی کردن عملکردهای ذهنی انسان و همچنین تولید و انتشار انبوه اطلاعات، رایانه به اسطوره این دوره تبدیل شده است. یکی از تبعات چشمگیر این وضعیت، روی آوردن به کاربرد رایانه در عرصه طراحی معماری است. دفتر معماری ایران در طی دهه ۷۰ (شمسی) به سرعت از نرم‌افزارهای ترسیمی و گرافیکی برای ارائه نقشه‌های معماری بهره گرفتند و با مسابقه آشکاری این امر به تغییر چهره دفاتر از آتلیه‌هایی با میزهای متعدد نقشه‌کشی به دفاتری با تجهیزات رایانه‌ای منجر شد. به طوری که دیگر اثری از ابزارهای سنتی نقشه‌کشی معماری در دفاتر طراحان دیده نمی‌شود. ارائه طرح معماری بصورت سنتی، فرایندی بود که نقش مهمی در خلق و ارائه طرح معماری داشت، بدین ترتیب که نسبت طرح با شخص طراح، با تناوبی از شکل‌گرفتن ترسیمات ساختار نیافته (اسکیس‌ها) و ساختار یافته (پلان، نما، برش) و یا ساختن مدل‌ها (ماکت‌ها) برقرار می‌گردید. طراح با بهره‌گیری از این فرایند قادر به فراقنی تفکرات خلاقه، ارزیابی و مطالعه آنها می‌شد و نهایتاً به آن تخیلات سامان می‌داد تا به طرح نهایی راهبر شود. در این مسیر، اسکیس و ترسیمات دستی اهمیتی فوق‌العاده داشت که بخش مهمی از سنت آموزش معماری معطوف به یادگیری آن می‌شد و مدرسین معماری برای آن جایگاه و اهمیتی خاص قائل بودند. گسست از این روش که به تدریج در فضای حرفه‌ای وارد شد، ابتدا با مقاومت دانشکده‌ها روبرو گردید، اما به تدریج در دانشکده‌ها و نیز در ارائه آثار دانشجویان پدیدار شد (انصاری، ۱۳۸۵، ۱۹). بسیاری از طراحان و دانشجویان به وسیله امکاناتی که استفاده از رایانه برایشان به ارمغان آورد، نظیر ارائه پوستر مانند و گرافیکی طرح‌هایشان، ایجاد تاثیرهای

جذاب در طرح و ارائه از این امکان، به عنوان ابزاری برای قانع کردن استادان و یا کارفرمایان استفاده کرده، سعی در مخفی کردن ایرادها و کاستی‌های طرح خود در زیر پوششی از ارائه فن آورانه دارند. (شکل ۳)



شکل ۳- روند به کارگیری ابزار گوناگون در ارائه آثار دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در دهه ۷۴-۸۴

ماخذ: علی محمدی، ۱۳۸۵، ۱۵۱

نتیجه‌گیری

اگر منبع تغذیه فکری دانشکده‌های معماری و حرفه معماری، تجارب معماری غرب و نقدها و نظریه‌هایی است که منتقدان و نظریه پردازان غربی می‌نویسند و عمدتاً به وسیله رسانه‌ها به ایران وارد گشته، جهت‌دهی اصلی دانشجویان و معماران جوان را به عهده می‌گیرد، به این دلیل است که در داخل کشور تجربه معماری قدرتمندی که از خود تغذیه کند و منبع نظریه پردازی مستقلی شود، نداریم و به ناچار این خلا را لایه معمولاً سطحی تجارب و نظریات غربی پر می‌کنند.

معماری معاصر ایران که ریشه عمیقی در معماری گذشته دارد، با تحولات گسترده جهانی، ناشی از دستاوردهای دنیای امروز و آرمان‌های جهانی که به سرعت متعلق به تمام عالم بشریت می‌شود همراه است. بشر امروزی اولویت سنت را به دلیل قیود و محدودیت‌هایش در هم شکسته و توانسته با آزادی وهم انگیز و شادمانه‌ای قدم به دنیای امروز بگذارد.

تردید پذیری ارزش‌های گذشته و شیفتگی نسبت به ارزش‌های تازه، انسان امروزی را در حالت دوگانه‌ای از وابستگی عاطفی به گذشته و شوق نصیب آینده قرار داده و پیوسته وی را به جست و جوی معنای حیات و درک هویت فردی و جمعی خویش وادار کرده است. مطالعه و توجه به این معماری اصیل و دیرینه، به منزله تکرار و تقلید از آن نیست. مطالعه، تحلیل و پاس داشت معماری و فرهنگ گذشته، نمی‌تواند راهگشای روشی اصولی برای طراحی معماری معاصر باشد. زیرا ایستا ماندن و توجه به فرم و کالبد معماری تاریخی، نوعی حرکت عاطفی محسوب شده که از واقعیت‌های امروزه فاصله زیادی دارد. زمانی می‌توان از معماری به مفهوم جهانی آن سخن گفت که ساختمان مورد نظر حاکی از نوعی پیشرفت فرهنگی و معمارانه در سطح جهانی باشد. (جدول ۱)

ماخذ: نگارندگان

جدول ۱- میزان تاثیر پذیری دانشکده‌های معماری از معماری ایران و غرب

منبع تغذیه دانشکده‌های معماری ایران							
معماری گذشته ایران				معماری معاصر غرب			
اصول و مبانی معماری		تصاویر معماری		نظریه‌های معماری		تصاویر آثار ساخته شده	
منابع مکتوب	اینترنت	منابع مکتوب	اینترنت	منابع مکتوب	اینترنت	منابع مکتوب	اینترنت
							

پی‌نوشت‌ها

۱- Globalization در زبان انگلیسی برگرفته از واژه Global به معنی یکپارچه، سراسری و جهانی است.

۲- برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به رساله دکتری نگارنده.

۳- این دشواری فقط به دروس عملی معماری محدود نمی‌شود. حتی شاید اشکال اساسی را باید در مباحث و دروس تئوریک و به ویژه تئوری معماری جستجو کرد. دروس مبانی نظری معماری که ابتدا در دو قسمت پیش‌بینی شده بود و در حال حاضر به یک قسمت کاهش یافته است، صرف‌نظر از اینکه فاقد پیوند لازم از لحاظ برنامه‌ای با دروس عملی می‌باشد کمتر مورد توجه و پی‌گیری جدی قرار می‌گیرد. در این درس طی بحث‌های تطبیقی، نقطه نظرهای متفاوت موجود در عرصه معماری جهان مطرح می‌گردد و نقاط مثبت و منفی آنها با توجه به مبانی اعتقادی اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و از این طریق دستیابی به نظریه‌ای منجمد و قوام یافته مبتنی بر مبانی اسلامی نیز ممکن می‌گردد (برنامه ستاد انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۳).

۴- در این درس طی بحث‌های تطبیقی، نقطه نظرهای متفاوت موجود در عرصه معماری جهان مطرح می‌گردد و نقاط مثبت و منفی آنها با توجه به مبانی اعتقادی اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و از این طریق دستیابی به نظریه‌ای منجمد و قوام یافته مبتنی بر مبانی اسلامی نیز ممکن می‌گردد (برنامه ستاد انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۳).

- 5- 3D Max
- 6- Virtual
- 7- Information Technology (IT)
- 8- Modeling
- 9- <http://www.karl.chtm> -2006
- 10- Air brush
- 11- Cyber space
- 12- <http://www.Architecture in the bitstream.htm>-2006

۱۳- از معماران ایرانی گرایش‌های جدیدی توان از بهرام شیردل و فرشید موسوی نام برد.

فهرست مراجع

- ۱- اقبالی، سیدرحمان، (۱۳۷۸). «رساله دکتری»، «هویت معماری معاصر ایران، بررسی تطبیقی نظریه‌ها و تجربه‌ها»، استاد راهنما: دکتر ایرج اعتصام، استادان مشاور: دکتر علی اکبر صارمی و دکتر ایرج تنهاتن ناصری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- ۲- اعتصام، ایرج، (۱۳۷۴). «بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران با اروپا»، مجموعه مقالات اولین کنگره معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۳- انصاری، حمیدرضا، (۱۳۸۵). «تحلیل معماری معاصر ایران»، گزارش درس «معماری معاصر» دوره دکتری دانشگاه تهران.
- ۴- بذرافکن، کاوه، (۱۳۸۱). «نظام‌های بیانی معماری و معماری ایرانی»، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۶۶.
- ۵- بهنام، جمشید؛ جهان بگلو، رامین، (۱۳۸۲). «تمدن و تجدد گفتگو»، تهران، نشر مرکز.
- ۶- تافلر، آ، (۱۳۷۴). «موج سوم»، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر خوارزمی.
- ۷- حسینی، اکرم، (۱۳۸۷). «تبیین و تدوین گرایش‌های معماری معاصر ایران، با مطالعه معماری دهه ۱۳۸۵-۱۳۶۰ شهر تهران»، استاد راهنما: دکتر فرح حبیب، استاد مشاور: دکتر ایرج اعتصام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- ۸- جهانبگلو، رامین، (۱۳۸۴). «بین گذشته و آینده»، تهران، نشر نی.
- ۹- علی محمدی، پریسا، (۱۳۸۵). «رساله دکتری»، «تاثیر تجربه با واسط جهانی در جهت‌گیری دانشجویان معماری معاصر ایران (بررسی موردی در دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، در دهه ۸۴-۷۴)»، استاد راهنما: غلامرضا اسلامی، استاد مشاور: غلام حسین معاریان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- ۱۰- ÷ محمودی، محمدرضا، (۱۳۸۷). «جهانی شدن و معماری معاصر ایران»، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۸۹-۸۸.